

سید حمید حسینی

قربانی در عید قربان

بنیاد امام علی (علیه السلام)

بخارست

قربانی در عید قربان

فلسفه، آداب و آموزه‌های قرآنی



بنیاد امام علی (علیه السلام) - بخارست

<https://imamali.ro>

رایانامه: info@imamali.ro

درآمد ۳

بخش اول: داستان ابراهیم و ذبح فرزند در قرآن ۳

بخش دوم: فلسفه قربانی از دیدگاه قرآن ۵

بخش سوم: آموزه‌های قرآنی درباره مراسم قربانی ۷

بخش چهارم: آیات قرآن درباره حیوانات حلال و قواعد ذبح ۹

بخش پنجم: اسلام و مهربانی با حیوانات ۱۰

سخن پایانی: قربانی، درس ایثار و شکرگزاری ۱۲

قربانی در عید قربان

فلسفه، آداب و آموزه‌های قرآنی

درآمد

عید قربان یا «عید الأضحی» از مهم‌ترین و معنادارترین مناسبت‌های دینی در اسلام است. این عید هر سال در دهمین روز از ماه ذی‌الحجه برگزار می‌شود و در تمام جهان اسلام با ذبح حیوان قربانی همراه است. اما آنچه پشت این مراسم نهفته - فلسفه، آموزه‌های اخلاقی، و دستورات دینی‌ای که قرآن بیان می‌کند - بسیار عمیق‌تر از یک مراسم سنتی است.

این نوشته می‌کوشد با تکیه مستقیم بر آیات قرآن کریم، فلسفه و احکام قربانی را از دیدگاه اسلام روشن سازد.

بخش اول: داستان ابراهیم و ذبح فرزند در قرآن

ریشه عید قربان در داستانی قرآنی است که خداوند آن را در سوره صافات با جزئیات بیان می‌کند. این داستان از عمیق‌ترین و تأمل‌برانگیزترین روایت‌های قرآن است: روایت ایمان، فداکاری، و رحمت الهی.

دعای ابراهیم برای فرزند صالح

ماجرا از دعای ابراهیم آغاز می‌شود. او که از بیداد نمرودیان رها شده بود، با توکل بر خداوند به سوی او رفت و از او فرزندی صالح خواست:

﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ * رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾
(الصافات: ۹۹-۱۰۱)

و [ابراهیم] گفت: «من به سوی پروردگارم می‌روم؛ او هدایت‌م خواهد کرد. * پروردگارا! به من از [فرزندان] شایسته عطا فرما.» * پس ما او را به [تولد] پسری بردبار مژده دادیم.

رؤیا و گفتگوی پدر و فرزند

آن فرزند بزرگ شد. یکی از ماندگارترین صحنه‌های قرآن، گفتگوی ابراهیم با فرزندش پیش از اقدام است. ابراهیم رؤیای خود را به صورت یک‌طرفه تحمیل نمی‌کند، بلکه با فرزند مشورت می‌کند، و فرزند داوطلبانه و آگاهانه تسلیم می‌شود:

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ (الصافات: ۱۰۲)

پس چون [آن فرزند] به حد کار و کوشش رسید، [ابراهیم] گفت: «ای پسرکم! من در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم. پس نگاه کن نظر تو چیست؟» گفت: «ای پدر! آنچه مأموری انجام ده؛ اگر خدا بخواهد مرا از صبرکنندگان خواهی یافت.»

لحظه آزمون و پایان آن

آنگاه هر دو به آستانه ایثار رسیدند. خداوند این لحظه را چنین توصیف می‌کند:

﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ * وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ (الصافات: ۱۰۷-۱۰۳)

پس چون هر دو تسلیم [فرمان خدا] شدند و [ابراهیم] پیشانی‌اش را [بر زمین] نهاد، * ما او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! * رؤیایت را تحقق بخشیدی. ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. * این همانا آزمونی آشکار بود.» * و ما او را به ذبحی عظیم فدیہ دادیم.

تأمل در معنای این داستان: پاسخ به یک پرسش جدی

داستان ابراهیم ممکن است در نگاه اول این پرسش را برانگیزد: آیا فرمان کشتن فرزند می‌تواند از منشأ الهی باشد؟ آیا این داستان با اخلاق سازگار است؟

قرآن خود اما از این داستان فرمانی برای کشتن فرزند استخراج نمی‌کند؛ بلکه پیام محوری‌اش «تسلیم بودن در برابر حق» است. برای درک دقیق‌تر، چند نکته اساسی باید در نظر گرفته شود:

- اول: فرمان در خواب بود، نه وحی صریح

ابراهیم این دستور را «فِي الْمَنَامِ» - در خواب - دید. خواب پیامبران اگرچه در سنت اسلامی از سایر خواب‌ها متمایز است، اما خواب همیشه نیاز به تعبیر دارد، نه اجرای حرفی. برخی از مفسران بزرگ بر همین نکته تأکید کرده‌اند: ابراهیم باید خواب را تعبیر می‌کرد، نه اینکه آن را عیناً اجرا کند.

همین نکته را می‌توان از خود آیات استنباط کرد: هنگامی که ابراهیم آماده اجرا شد، ندا رسید که «رؤیایت را تحقق بخشیدی» - نه اینکه «کارت را انجام دادی». خداوند اجرای عملی را نخواست؛ خواست که ابراهیم آمادگی روحی تسلیم شدن را در خود بی‌پروا کند.

- دوم: این داستان، اعلام پایان قربانی انسانی است

در دوران باستان، قربانی کردن انسان - از جمله فرزندان - رسمی رایج در بسیاری از ملل بود. این داستان در زمینه‌ای تاریخی روی داد که چنین سنتی وجود داشت. یکی از تفسیرهای قوی که برخی مفسران مطرح کرده‌اند این است که این ماجرا، اعلام پایان عصر قربانی انسانی است: خداوند با دخالت در آخرین لحظه، به روشنی اعلام می‌کند که هیچ‌گاه قربانی جان انسان را نمی‌خواهد. «ذبح عظیم» - حیوانی که جایگزین شد - این پیام را جاودانه کرد.

قرآن کریم در جای دیگر نیز صریحاً از کشتن فرزندان نهی می‌کند و این را از بزرگ‌ترین گناهان می‌شمارد:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ﴾ (الأنعام: ۱۵۱)

و فرزندان‌تان را از [ترس] فقر نکشید.

این نهی صریح قرآن در کنار داستان ابراهیم، نشان می‌دهد که هدف این داستان هرگز تشریع کشتن فرزند نبوده است.

- سوم: اخلاق ابراهیم، اخلاق ایثار در برابر حقیقت

اگر مبنای اخلاق را «تسلیم بودن در برابر حقیقتی که وجدان آدمی درست بودنش را درک می‌کند» بدانیم، داستان ابراهیم از زاویه‌ای متفاوت دیده می‌شود. انسان‌ها در موقعیت‌های استثنایی - برای نجات یک جامعه،

برای اصلی بزرگ‌تر - گاه با دردناک‌ترین انتخاب‌ها روبرو می‌شوند. ابراهیم در چنین موقعیتی بود: او به حقیقتی دست یافته بود که از عمق جان‌اش ضروری می‌نمود، و فرزندش نیز آگاهانه و داوطلبانه همراهش شد.

از این منظر، هر دین و آیینی که کسی داشته باشد، چنین ایثاری را اوج فداکاری می‌شمارد - نه یک عمل بی‌رحمانه. آنچه این داستان را اخلاقی می‌کند، نه «تبعیت کورکورانه از فرمان»، بلکه «درک آگاهانه» و «تسلیم داوطلبانه» هر دو نفر است.

پاداش ابراهیم و جاودانگی این سنت

خداوند در ادامه داستان، پاداش ابراهیم و ماندگاری نامش را چنین بیان می‌کند:

﴿وَوَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ * كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الصافات: ۱۱۱-۱۰۸)

و ما [نام نیکویش] را در میان آیندگان باقی نهادیم: * درود بر ابراهیم. * ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. * او از بندگان مؤمن ما بود.

آیه نُسُك: چارچوب کلی قربانی

پیامی که ابراهیم در عمق وجودش یافته بود را قرآن در آیه‌ای زیبا و جامع بیان می‌کند - آیه‌ای که مسلمانان هنگام شروع قربانی می‌خوانند:

﴿قُلْ إِنِّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ (الأنعام: ۱۶۳-۱۶۲)

بگو: «نماز من، قربانی من، زندگانی من، و مرگ من، همه از آن خداوند، پروردگار جهانیان است. * شریکی برای او نیست؛ و به این مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمانم.»

واژه «نُسُك» در این آیه به معنای «قربانی» است. این آیه نشان می‌دهد که قربانی بخشی از یک نگرش کلی است: تمام زندگی - نه فقط یک مراسم سالانه - باید رنگ الهی داشته باشد.

بخش دوم: فلسفه قربانی از دیدگاه قرآن

آیه محوری: آنچه به خداوند می‌رسد

قرآن کریم در یک آیه صریح، تمام فلسفه قربانی را بیان می‌کند و پاسخ می‌دهد که چرا خداوند چنین مراسمی را خواسته است:

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ تَقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾ (الحج: ۳۷)

هرگز گوشت‌ها و خون‌های آن‌ها به خدا نمی‌رسد، اما تقوای شماست که به او می‌رسد. این گونه [این حیوانات را] برای شما مسخر کرد تا خداوند را به پاس آنکه شما را هدایت فرمود، بزرگ بشمارید؛ و نیکوکاران را بشارت ده.

این آیه، محکم‌ترین پاسخ به هر کسی است که می‌پرسد «خداوند چه نیازی به گوشت و خون دارد؟»: خداوند نیازی ندارد. آنچه مهم است تحول درونی انسان است - «تقوا» - که از طریق این مراسم پرورش می‌یابد. قربانی یک عمل نمادین است با پیام اخلاقی عمیق.

قربانی به مثابه شعیره

خداوند در سوره حج، قربانی را در ردیف «شعائر الله» قرار می‌دهد - نشانه‌هایی که حضور الهی را در زندگی اجتماعی مرئی می‌کنند:

﴿ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَىٰ الْقُلُوبِ﴾ (الحج: ۳۲)

این است [سخن حق]؛ و هر کس شعائر [دین] خدا را بزرگ بدارد، این نشانه تقوای دل‌هاست.

قربانی، سنتی برای همه امت‌ها

نکته جالب توجه این است که قرآن مناسک قربانی را منحصر به اسلام نمی‌داند، بلکه آن را سنتی برای همه ادیان الهی معرفی می‌کند:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّیَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِیمَةِ الْأَنْعَامِ﴾ (الحج: ۴۳)

و برای هر امتی مناسکی [= آیین قربانی‌ای] قرار دادیم تا نام خدا را بر [چهارپایانی از] دامی که به آنان روزی داده است یاد کنند.

پیوند قربانی با توحید

قربانی در اسلام، عملی توحیدی است. حیوان باید فقط و فقط به نام خداوند ذبح شود. قرآن ذبح به نام بت‌ها را صریحاً حرام می‌شمارد:

﴿وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ﴾ (المائدة: ۳)

و آنچه بر سنگ‌های بت ذبح شده [بر شما حرام است].

بخش سوم: آموزه‌های قرآنی درباره مراسم قربانی

الف) ذکر نام خدا: شرط اصلی

قرآن در آیات متعدد بر لزوم بردن نام خداوند هنگام ذبح تأکید می‌کند. این مهم‌ترین شرط حلال بودن ذبح است:

﴿فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ (الأنعام: ۱۱۸)

پس از آنچه نام خدا بر آن برده شده بخورید، اگر به آیات او ایمان دارید.

﴿وَلَا تَكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ﴾ (الأنعام: ۱۲۱)

و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده مخورید، که این فسق است.

ب) خوردن از قربانی و اطعام نیازمندان

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن درباره قربانی، دستور به تقسیم گوشت است. قربانی نباید صرفاً عملی فردی باشد:

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ (الحج: ۲۸)

تا شاهد منافع گوناگون خویش [در این برنامه] باشند؛ و در ایام معینی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنان روزی داده است، [به هنگام قربانی] ببرند؛ پس از [گوشت] آن‌ها بخورید و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید.

﴿فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (الحج: ۳۶)

پس چون پهلوهایشان [بر زمین] افتاد [و جان دادند]، از [گوشت] آن‌ها بخورید و به قانع [= کسی که سؤال نمی‌کند] و معتّر [= کسی که نیاز خود را اظهار می‌کند] نیز بخورانید. این گونه آن‌ها را برای شما رام کردیم، شاید شکرگزاری کنید.

ج) شتران قربانی به عنوان شعیره

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ﴾ (الحج: ۳۶)

و شتران [و گاوهای قربانی] را برای شما از شعائر خدا قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر است؛ پس [هنگام نحر] در حالی که صف کشیده‌اند نام خدا را بر آنها ببرید.

بخش چهارم: آیات قرآن درباره حیوانات حلال و قواعد ذبح

چهارپایان حلال

قرآن در آیات متعددی حیوانات حلال گوشت را معرفی می کند. محور اصلی «بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ» - چهارپایان دام - هستند:

﴿أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ﴾ (المائدة: ۱)

چهارپایان دام برای شما حلال شده اند، مگر آنچه [بعداً] بر شما خوانده می شود.

محرمات ذبح: آنچه حرام است

قرآن در سوره مائده، آنچه در زمینه خوردن گوشت بر مسلمانان حرام است را به تفصیل بیان می کند:

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ﴾ (المائدة: ۳)

بر شما حرام شده است: مردار، خون، گوشت خوک، آنچه به نام غیر خدا ذبح شده، حیوان خفه شده، حیوان کتک خورده [تا مرده]، حیوان سقوط کرده، حیوانی که با شاخ مرده، و آنچه درنده ای خورده - مگر آنکه [پیش از مرگ] آن را ذبح کرده باشید - و آنچه بر سنگ های بت ذبح شده.

این فهرست جامع نشان می دهد که اسلام نه فقط به نوع حیوان، بلکه به شیوه مرگ آن نیز اهمیت می دهد. حیوانی که با شکنجه، خفگی، یا ضربه مرده، حتی اگر از نوع مجاز باشد، حلال نیست. این رویکرد بنیادی در دین اسلام است که رنج حیوان باید حداقل باشد.

مفهوم تذکیه: ذبح به مثابه پاک کردن

قرآن با واژه «تَذَكِّيَّة» از ذبح مجاز سخن می گوید - این واژه از ریشه «زکو» به معنای پاکی و طهارت است. این نامگذاری حاکی از آن است که ذبح اسلامی نه صرف کشتن، بلکه عملی است که با رعایت شرایط خاص، حیوان را از ناپاکی مرگ طبیعی یا شکنجه بار پاک می کند:

﴿إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ﴾ (المائدة: ۳)

مگر آنچه را [پیش از مرگ] تذکیه کرده باشید [= با ذبح شرعی پاک کرده باشید].

بخش پنجم: اسلام و مهربانی با حیوانات

یکی از جنبه‌هایی که در بحث قربانی کمتر به آن توجه می‌شود، جایگاه والای حیوانات در آموزه‌های اسلامی است. اسلام هرگز حیوانات را موجوداتی بی‌ارزش نمی‌داند که هر رفتاری با آن‌ها مجاز باشد.

حیوانات: موجوداتی که خداوند را تسبیح می‌گویند

قرآن به صراحت بیان می‌کند که تمام موجودات هستی - از جمله حیوانات - تسبیح‌گوی خداوند هستند:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ﴾
(النور: ۴۱)

آیا نمی‌بینی که هر که در آسمان‌ها و زمین است، و پرندگان در حال پرواز، خداوند را تسبیح می‌گویند؟ هر یک نماز و تسبیح خود را می‌داند.

این آیه دیدگاه اسلام به حیوانات را روشن می‌کند: آن‌ها موجوداتی هستند که نوعی ارتباط با خداوند دارند و تسبیح‌شان را می‌دانند. این نگرش، انسان را به احترام در برابر حیوانات فرا می‌خواند.

توصیه‌های اسلام به مهربانی با حیوانات

در سنت نبوی، روایات فراوانی درباره رفتار درست با حیوانات وجود دارد که تکمیل‌کننده آیات قرآن است. این توصیه‌ها چارچوب اخلاق اسلامی را در رابطه با حیوانات می‌سازند:

- تیز کردن کارد پیش از ذبح تا حیوان کمترین رنج را ببیند
- ممنوعیت ذبح حیوان در منظر سایر حیوانات
- آب دادن به حیوان پیش از ذبح
- مکروه بودن تیز کردن کارد در برابر حیوان و ایجاد ترس قبل از ذبح
- نبریدن نخاع پیش از آرام گرفتن کامل حیوان
- ممنوعیت آزار یا شکنجه حیوانات بدون دلیل مشروع

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «هر کس به موجود زنده‌ای رحم کند، خداوند به او رحم خواهد کرد.» این آموزه نشان می‌دهد که رحمت به حیوانات در اسلام، نه یک توصیه حاشیه‌ای، بلکه بخشی از اخلاق بنیادی مؤمن است.

میان‌روی در مصرف گوشت

آموزه‌های اسلامی نه تنها درباره ذبح، بلکه درباره میزان مصرف گوشت نیز سخن دارند. اسلام هرگز مصرف بی‌رویه گوشت را تشویق نمی‌کند. روایاتی در این زمینه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده که زیاده‌روی در خوردن گوشت را مکروه می‌شمارد.

قرآن کریم نیز در سیاقی کلی‌تر، اسراف در خوردن و آشامیدن را نهی می‌کند:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (الاعراف: ۳۱)

و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ که او اسراف‌کاران را دوست ندارد.

این آموزه - «بخور اما اسراف مکن» - در فرهنگ اسلامی به مصرف گوشت نیز تعمیم داده می‌شود. هدف قربانی، ترویج کشتن حیوانات نیست؛ بلکه یک مراسم معنوی سالانه است که در آن بخش عمده گوشت به نیازمندان می‌رسد.

شکرگزاری از نعمت حیوانات

قرآن مکرراً یادآور می‌شود که حیوانات از نعمت‌های الهی هستند و باید با شکرگزاری با آن‌ها رفتار شود:

﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (النحل: ۱۱۴)

پس از آنچه خداوند به شما روزی داده حلال و پاکیزه بخورید، و نعمت خداوند را شکر به جای آرید، اگر تنها او را می‌پرستید.

﴿وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ﴾ (یس: ۷۲)

و آن‌ها [= چهارپایان] را برای آنان رام کردیم؛ پس برخی مرکب آنان‌اند و از برخی می‌خورند.

این دو آیه با هم پیامی مهم دارند: حیوانات نعمتی هستند که باید برای آن‌ها سپاسگزار بود - و سپاسگزاری، رفتار شایسته و مهربانانه با آن‌هاست.

سخن پایانی: قربانی، درس ایثار و شکرگزاری

مجموعه آیاتی که در این نوشته بررسی شد، چارچوبی منسجم را ترسیم می‌کند. قربانی در اسلام نه خدا را خشنود می‌کند - این را آیه ۳۷ سوره حج صریحاً بیان کرده - و نه ترویج کشتن حیوانات است.

قربانی یک «مَنَسَك» - آیین عبادی - است که هدف آن تحول درونی انسان است: یادآوری داستان ابراهیم و درس ایثار آن، گذاشتن بخشی از دارایی در راه نیازمندان، و اعلام اینکه «نماز و قربانی و زندگی و مرگم همه از آن خداوند است.»

و در پس این همه، اسلام انسان را به نگاهی مهربانانه به موجودات زنده فرا می‌خواند - چرا که آن‌ها نیز، به زبان خود، تسبیح‌گوی همان خدایی هستند که ما می‌پرستیم.